

متن پیاده سازی شده جلسه چهارم سال سوم درس خارج اصول مباحث قطع و ظن - 21 مهر 1387

بسم الله الرحمن الرحيم

مستحضرید که کلام در بحث اجماع و در مرحله تحقیق بود؛ عرض کردیم اگر چند مقدمه بیان شود می توان به نتیجه مطلوب رسید؛ ما از منظر عقل و نقل قاعده لطف را بررسی کردیم و گفتیم که هیچ کدام دلالت بر قاعده لطف ندارد. نکته: گفتیم که رابطه روایت علینا القاء الاصول نسبت به طایفه اول روایات رابطه حکومت و تفسیر است نه رابطه تقیید و حکومت و حکومت هم از باب مجمل و مبین است.

حساب احتمالات

اگر یادتان باشد در مرحله تتبع گفتیم که مرحوم نائینی و مرحوم صدر می خواهند اجماع را از باب تجمیع ظنون و حساب احتمالات معتبر کنند.

بیان حساب احتمالات: اگر یک فقیه در یک مساله فتوا دهد انسان برایش این احتمال پدید می آید که حکم شرعی مطابق این فتوا باشد اگر 100 نفر یا بیشتر در مورد یک مساله ای فتوا دهند (یعنی اجماع پدید آید) احتمال خلاف، یا غیر معنی به می شود و یا از بین می رود.

نکته: مرحوم شهید صدر در علم اصول، رجال و مباحث اعتقادی از بحث حساب احتمالات استفاده می کند. استاد علیدوست: کلام شهید صدر خالی از مناقشه نیست؛ چرا که در جایی که مساله حدسی است گاه شخص اصلاً قانع نمی شود و احتمال خلاف در نزدش از بین نمی رود؛ مثلاً عده ای زیادی معتقد به اصالت الوجود هستند و بعد ملا صدرا هم اکثر فلاسفه قائل به اصالت الوجود هستند شخصی می گوید همه این فلاسفه فکرشان متأثر از ملا صدرا بوده و من هم مبنای ملا صدرا را قبول ندارم و لذا اصالت الماهیت درست است؛ در این مثال، کثرت قائلین به اصالت الوجود تاثیری در این شخص ایجاد نکرد.

نکته: البته ما حساب احتمالات را نفی نمی کنیم و معتقدیم ممکن است در جای احتمال خلاف به صفر برسد و لذا ما نه مثل آقای صدر حساب احتمالات را می پذیریم و نه مثل مرحوم خوئی به طور کلی حساب احتمالات را رد می کنیم. ما معتقدیم از باب اطمینان می شود به حجیت اجماع قائل شد حال یا اطمینان را دلیل مستقل حساب می کنیم و یا از باب خیر طرق الموجوده می پذیریم.

برخی ها علاوه بر اشکالات کبروی اشکال صغروی به اجماع دارند.

بیان اشکال: زمانی می شود گفت که اتفاق کل محقق شده که تمامی علما کتاب داشته باشند، و در کتاب هایشان مساله اجماعی را ذکر کرده باشند و این کتب به دست ما رسیده باشد و.... و یا این بیان که گفتیم اجماع به راحتی محقق نمی شود.

پاسخ استاد: اگر ما رفتیم قول قدماء را دیدیم قول متاخرین را دیدیم و.... در این صورت ممکن است ما به نظر عالمی در هند دست پیدا نکرده باشیم اما با حساب احتمالات اشکال صغروی را دفع می کنیم؛ به نظر می رسد در دفع اشکال صغروی حساب احتمالات مفید است.

نتیجه: ما اجماع را به عنوان ظن خاص از باب علم و علمی نپذیرفتیم بلکه از باب اطمینان یا خیر طرق المیسره پذیرفتیم.

نکته: از آنجا که ما معیار حجیت اجماع را اطمینان دانستیم قدر متیقن گرفتن دیگر معنا ندارد و لذا گستره پذیرش اجماع را اطمینان مشخص می کند.

نکته دیگر: ما یک حکم واقعی داریم یک حکم ظاهری؛ ممکن است مجتهد به حکم واقعی برسد و ممکن است نرسد ما یک شبهه

ای در اینجا داریم؛ اگر ما مبنایمان این باشد که حکم فقط در مرحله ای که مجتهد به آن می رسد باشد و با حکم واقعی کار نداشته باشیم در این صورت عرصه بر قاعده لطف تنگ تر می شود چرا که فقیه اگر روی انضباط اجتهاد کند دیگر اشتباهی تصور نمی شود که پای قاعده لطف را پیش بکشیم.

الحمد لله رب العالمین